



## معرفی نسخه خطی منشآت امیر نظام گروسی

مجتبی صفرعلیزاده<sup>۱</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی - ایران

لیلا عدل پرور<sup>۲</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی - ایران

آرزو مؤمنی خانشان<sup>۳</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوی - ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۲

رتال جامع علوم انسانی

### چکیده

معرفی و انتشار متون برجسته ادب فارسی، موجب رونق و غنای پیشینه علمی، ادبی و تاریخی کشور می‌شود. بسیاری از نسخ در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور باقی است که به منظور شناسایی

---

<sup>۱</sup> -mojtabasafaralizadeh1350@gmail.com

<sup>۲</sup> - adlparvar22@gmail.com

<sup>۳</sup> -arezu.momeni0000@gmail.com

ضرورت دارد تصحیح، معرفی و مورد ارزیابی قرار گیرند. از حسنعلی خان امیرنظام گروسی دو اثر ارزنده ادبی به صورت مکتوب به نام‌های منشآت و پندنامه یحویه به جای مانده است که تا به حال معرفی و مورد تحلیل و بررسی واقع نشده است. منشآت گروسی؛ اثری در نامه نگاری و مکاتیب دیوانی فارسی است که در قرن سیزدهم به سبک قائم مقام فراهانی به نثری ساده و بینابین نگاشته شده است و از نظر انعکاس اوضاع تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دیوانی و... حائز اهمیت می باشد، لذا بازننگری و معرفی و شناسایی این اثر در بازآفرینی گذشته فرهنگی ایران، می تواند مؤثر باشد.

در این مقاله سعی بر این است ضمن معرفی امیرنظام گروسی و نقش وی در ترقی و اصلاح جامعه و توجه به علوم ادبی و ادبیان، نسخه‌های اساس و کمکی منشآت وی، نیز معرفی شده و به بیان مهم ترین ویژگی‌های این اثر، پرداخته شود.

**کلمات کلیدی:** منشآت، امیرنظام، معرفی نسخه خطی، مهم ترین ویژگی‌های سبکی، ویژگی‌های ادبی

## مقدمه:

نسخ خطی، میراث فرهنگی ملت‌ها و از عوامل اصلی انتقال دانش و تجربیات بشری محسوب می شوند، که پرداختن به این موضوع و معرفی این آثار موجب رونق و غنای پیشینه علمی، ادبی و تاریخی... می شود. دوره قاجار از دوره‌های مهم تاریخ ایران از نظر تحولات سیاسی، اجتماعی فرهنگی ایران محسوب می شود که آثار ارزشمندی در این دوره نگاشته شده که بخشی از این آثار به صورت نسخ خطی در کتابخانه‌ها باقی مانده و هنوز به چاپ نرسیده است. یکی از این آثار نسخه خطی منشآت امیرنظام گروسی است.

منشآت نویسی یا نامه نگاری که در قدیم به آن ترسل نیز می گفته‌اند، به عنوان یکی از فنون انشاء و نویسندگی، در گستره فرهنگ و ادب فارسی، جایگاه ویژه‌ای دارد. آثار برجای مانده، از دیرزمان با عناوینی دیگر همچون: نامه‌ها، مکاتبات، مکاتیب، مکتوبات، مراسلات، رسایل، رقعات و توقیعات به غیر از جنبه‌های ادبی و زبان شناسی، فرازهایی از اوضاع تاریخی،

اجتماعی و فرهنگی را می‌نمایاند. حسنعلی خان امیر نظام گروسی از مردان نیکنام عهد ناصر و جزء رجال کارآمد و لایق ایران در دوره قاجار به شمار می‌رود. او مردی کاردان، با کفایت و علاقه‌مند به ترقی و اصلاح جامعه بود و در طول ۶۴ سال داشتن مصدر خدمات مهم کشوری از هیچ کوششی جهت اعتلای ایران فرو گذار نکرد. با امید به اینکه، در این مقاله با معرفی وی و تحلیل اثرش منشآت، در شناساندن هر چه بهتر امیر نظام گروسی، اولین قدم برداشته شود.

### پیشینه تحقیق

منشآت حسنعلی خان گروسی، بر اساس نسخ موجود در؛ کتابخانه دولتی، طالبیه و کتابخانه مرکزی تبریز، در سال ۱۳۹۴، توسط دکتر مجتبی صفرعلیزاده و آرزو مؤمنی خانشان تصحیح و به چاپ رسیده است. اما در رابطه با معرفی و تحلیل این اثر، تاکنون تحقیقی مستقلی صورت نگرفته است، لذا در این مقاله یکی از آثاری که کمتر در ایران، مورد توجه محققان قرار گرفته، معرفی و بررسی می‌شود.

**زندگینامه امیر نظام گروسی:** حسنعلی خان امیر نظام گروسی از کردهای طایفه «کبودوند گروس» در سال ۱۲۳۶ یا ۱۲۳۷ ق. در بیجار مرکز ولایت گروس به دنیا آمد. (احمد میرزا عضدالدوله، ۱۳۷۲: ۹۷) «حسنعلی خان بر اثر استعداد و لیاقت ذاتی تقریباً از هفت سالگی بسیاری از علوم زمانه خود را فرا گرفت و توانست توجه اطرافیان را به خود جلب نماید.» (مفتون دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۴۹) در سال ۱۲۶۰ ق. در زمان حاج میرزا آقاسی صدر اعظم محمد شاه نظر به عداوتی که با خانواده حسنعلی خان داشت، حکومت موروثی گروس را از دست خاندان حسنعلی خان گرفت. (وقایع نگار کردستانی، ۱۳۶۶: ۲۷۱) در سال ۱۲۶۵ ق. حسنعلی خان جهت سرکوبی فتنه سالار راهی خراسان شد و توانست موفقیتی به دست آورد، اندکی بعد به صواب دید امیر کبیر مأمور سرکوبی ملّا محمد علی زنجانی از پیروان باب در زنجان شد و به مناسبت موفقیت در این مأموریت به مقام جنرال آجودانی شاه رسید. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۹۸) در سال ۱۲۹۷ ق. حسنعلی خان هم در مقام وزیر فواید عامه،

توانست حمزه آقا منگور، رهبر شورشیان ساوجبلاغ را به قتل رساند و سبب دفع فتنه و فساد در آن منطقه گردد. (هدایت، ۱۳۵۷: ۵۰) در سال ۱۲۹۹ ق. وی با دریافت لقب «سالار عسکری» از ناصرالدین شاه به ریاست قشون آذربایجان منصوب گردید و در سال ۱۳۰۰ ق، تصدی امور پیشکاری آذربایجان به حسنعلی خان داده شد و لقبش را به «سالار لشکر» ارتقاء دادند. (مستوفی، ۱۳۷۱: ۲۰۹) از وقایع مهم دیگر دوران پیشکاری امیر نظام در آذربایجان مسأله امتیاز رژی و شورش مردم تبریز علیه این قرارداد در سال ۱۳۰۹ بود، که امیر نظام در مقام والی شهر، از اجرای دستور ولیعهد جهت تیراندازی به سمت مردم ترمذ کرد، به دنبال آن در همان سال او را از پیشکاری آذربایجان عزل و به تهران احضار کردند. (اقبال آشتیانی، ۱۳۵۱: ۲۲۶) امیر نظام پس از استعفا از پیشکاری آذربایجان و آمدن به تهران، مدت دو ماه بیکار بود تا اینکه در ۱۳۱۰ ق برای بار دوم به حکومت کردستان، کرمانشاهان، گروس، همدان و مناطق همجوار منصوب شد. (سلطانی، ۱۳۷۸: ۴۳۷) بالأخره در پنجم رمضان ۱۳۱۷ ق امیر نظام گروسی در سن ۸۱ سالگی دیده از جهان بست و بنا به وصیت خودش در ماهان کرمان، به خاک سپرده شد. (احمدی کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۶۵)

### تاریخچه منشآت در ادب فارسی

گردآوری و تدوین منشآت و مکاتیب فارسی به وسیله خود کاتبان یا دیگران از دوران غزنویان و به وسیله بیهقی آغاز شد. (مقدمه بیهقی، ۱۳۷۸: ۷۹)

منشآت در اصطلاح ادبی، مجموعه‌ای از نامه‌های دیوانی یا دوستانه است که منشی دیوانی یا نویسنده غیر دیوانی نوشته باشد. (مصاحب، ۱۳۷۴: ۲۸۶۶)

نامه‌ها و منشآت را در گذشته به سلطانیات و اخوانیات تقسیم می‌کردند. مراد از سلطانیات، فرمان‌ها و منشورها و نامه‌هایی بود که از دربار پادشاهان و سلاطین صادر می‌شد و یا نامه‌هایی که پادشاهان و امرا به یکدیگر و به زیردستان خود می‌نوشته‌اند و یا از زیردستانشان به آنها نوشته می‌شده است. مقصود از اخوانیات نامه‌های محبت‌آمیز و دوستانه‌ای است که طبقات مختلف مردم به یکدیگر می‌نوشته‌اند. (انوشه، ۱۳۷۶: ۸۲۲ و ۳۰)

«سبک نگارش منشآت در قرن پنجم به نثر مرسل نگاشته می‌شد ولی در قرن ششم منشیان، با تأثیر پذیرفتن از زبان عربی، آیات و احادیث و اشعار و امثال عربی و سجع را در منشآت آوردند، باعث مصنوع و فنی شدن منشآت گردیدند، مانند: بهاء الدین محمد بغدادی در کتاب التوسل الی الترسّل.

در قرن سیزدهم و عهد فتحعلیشاه، قائم مقام فراهانی سبک ساده نویسی را رونق داد از پیروان قائم مقام فراهانی در نثر می‌توان به امیر نظام گروسی اشاره کرد که مهارت زیادی در آوردن تعبیرات عامیانه داشت. منشآت و مکاتیب علاوه بر جنبه‌های زبان شناسی و ادبی به لحاظ انعکاس اوضاع اجتماعی و رخدادهای تاریخی سودمند است. با مطالعه و بررسی هر یک به اصطلاحات دیوانی و وضع معیشتی مردم و بسیاری از جریانات اجتماعی و تاریخی در ادوارهای مختلف پی می‌بریم. (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۰۹)

حسنعلی خان امیرنظام گروسی بیش از قائم مقام فراهانی به ساده نویسی گرایید. منشآت امیرنظام در «وارد کردن تعبیرات و اصطلاحات و ترکیبات عامیانه در انشا و استفاده از زبان مردم برای بیان مقاصد، از قائم مقام فراهانی و فرهاد میرزا پیش افتاده است. از این جهت که دهخدا در نوشتن «چرند و پرند» خود به منشآت امیرنظام نظر داشته است.» (محبوب، ۱۳۵۳: ۹۷)

«منشآت امیرنظام گروسی نوشته‌هایی است که حاوی موضوعاتی از قبیل، اوضاع تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و دیوانی و نظامی و مالی زمان خود می‌باشد. و نکات ناشناخته فرهنگ و تمدن و تاریخ را می‌توان در خلال خطوط آنها یافت.» (خامی، ۱۳۷۴: ۳۱)

این تصنیفات، علاوه بر ارزش ادبی، از دیدگاه اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اخلاقی نیز، اهمیت دارد.

«رسائل و مکاتیب باقی مانده از ادوار گوناگون از جهات مختلف حائز اهمیت و در خور مطالعه و تحقیق هستند و پرداختن به آنها در حیطه تحقیقات تاریخی و پژوهش‌های ادبی،

ضروری می‌نماید. با مطالعه دقیق آنها می‌توان به نکات و دقایق دستوری، لغوی، چگونگی استعمال صنایع ادبی و سایر ویژگی‌های سبک‌شناسی دست یافت.» (مردانی، ۱۳۷۷: ۳۷) در این مقاله، به معرفی و بررسی نسخ منشآت امیر نظام گروسی پرداخته می‌شود.

### مشخصات نسخه‌های منشآت گروسی

#### ۱- نسخه طالبیه تبریز:

این نسخه به شماره ۱۵۸ مدرسه در ۱۹۶ صفحه به دستور عمده التجار اشرف الزائرین مشهدی محمود آقا خلف ارشد عمده الاعاظم و التجار حاج احمد آقا تاجر کتاب فروش تحریر شد. صفحه اول نسخه با این عبارات شروع شده است: «چون حسب الامرندگان حضرت اشرف امجد ارفع امنع اقدس والا ولیعهد روحنا فداه که تا انقضای مدت پنج سال امتیاز طبع و نشر کتاب منشآت مرحوم مبرورحسنعلی خان امیر نظام رحمه الله تعالی...» و با عبارات: «رقعه‌ای است که به یکی از رفقای خویش من باب گله نوشته است، فدایت شوم دیشب تشریف بردید و مرا با آن کسی که می‌دانید گذاشتید و با چنین مصاحب ناجنسی که می‌دانید شبی بر من گذشت که گفتمی نیست و نوشتنی نه...» پایان می‌پذیرد.

#### مشخصات نسخه:

- اجازه طبع و نشر در سال ۱۳۲۱.
- دیباچه کتاب به دست خط امین الصنایع در مورد زندگی نامه امیر نظام گروسی و این که منشآت به وسیله ایشان جمع آوری شده است.
- پند نامه یحویه.
- منشآت ۱۷۴ نامه (سلطانی، دیوانی، اخوانی) می‌باشد.

#### ۲- نسخه کتابخانه دولتی تربیت:

این نسخه به شماره ۷۹۷ در ۲۲۳ صفحه بنا به فرمایش عمده التجار و الاعاظم حاجی میرزا ابراهیم به رشته تحریر کشیده و در مطبعه کربلایی عبدالله در شهر صفر المصفر سال ۱۳۳۴ به

طبع رسیده است و به خط احمد بصیرت تحریر شده است دیباچه به خط احمد بصیرت در سال ۱۳۳۲ به تحریر کشیده شده است.

نسخه با دیباچه کتاب و با عبارات زیر شروع شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الأولين و الآخرين محمد وآله الطيبين... و با عبارات: «فدايت شوم؛ باده درد آلودمان مجنون کند صاف اگر باشد ندانم چون کند و با وجود دمل بی پیر که رستم زال را عاجز کرد و بستری نمود به این قشنگی...» پایان می پذیرد.

### ۳- نسخه سنگی کتابخانه مرکزی تبریز

این نسخه به شماره ۰۹۵۶۶۸ در ۲۲۸ صفحه به دستور عمده التجار آقا میرزا ابراهیم تاجر کتاب فروش و به خط احمد بصیرت در ۱۵۶ ربیع الاول ۱۳۲۶ تحریر شده است و دیباچه در هشتم شهر صفر المصفر سال ۱۳۲۶ به خط احمد بصیرت نوشته شده است. ابتدا و انتهای این نسخه عین نسخه کتابخانه تربیت می باشد و در حواشی این نسخه لغاتی معنی شده بود که در تصحیح بدان اشاره گردیده است.

### ۴- کتاب چاپی محمدی برنجه

این کتاب به کوشش علی محمدی برنجه در سال ۱۳۸۵ انتشارات سیب سبز در ۲۸۱ صفحه به چاپ رسیده است. کتاب فاقد دیباچه و فتح باب آن با پندنامه یحویه است. به نظر می رسد، ایشان کتاب مذکور را فقط از یک نسخه و آن هم نسخه سنگی که به سال ۱۳۳۲ در تبریز به چاپ رسیده بهره گرفته اند.

این منشآت با عبارات: «نامه ایست که به ناصرالدین شاه نوشته قربان خاک پای جواهر آسای مبارک شوم از زیارت دستخط مبارک اعلا و...» شروع شده است و با عبارات: «برادر مهربانا؛ مختصر نوشته شما را که اجتناباً للاطناب در سه صفحه و نیم یافته بود رسید همانا خامه این موسی را خاصیت عصای آن موسی داده اند...» ختم یافته است.

در تصحیح مقدمه اصلاً اشاره‌ای به مشخصات نسخه مورد استفاده نکرده است، لازم به ذکر است که پندنامه یحیویه ضمیمه منشآت نسخه‌های مورد استفاده می‌باشد.

### پندنامه یحیویه:

حسنعلی خان، پسری به نام «یحیی خان» داشت که پندنامه یحیویه را برای ایشان نگاشته است. وی در این بخش به پسرش توصیه می‌کند، با به کارگیری پندهای پدر، از عمرو زندگانی‌اش بهره‌مند شود. از مهم‌ترین توصیه‌های اخلاقی امیر نظام، به پسرش چند مورد به اختصار ذکر می‌شود:

«نخستین پند من تو را، آن است که زنهار با گروهی که از خدا دورند، نزدیکی من و با ارادل و فرومایگان، همنشینی مگزین ... پیوسته همت خود را به کارهای بزرگ و شگرف برگمار.. تا توانی دست کرم برگشا... زنهار از بخل و امساک برحذر باش... پس از ملاحظه صلاح و فساد درنگ مکن و کار امروز را به فردا باز مگذار... به خوردن اغذیه لطیف در همه وقت طبیعت را عادت مده... اظهار فاقه و تنگدستی مکن... در هیچ مقام، خود را به شرافت نسب مستای و از محامد صفات آبا و اجداد سخن مگوی؛ و جهد کن که خود بالاصاله، شایسته و در خور مدحت و ستایش باشی.»

### توجه امیرنظام به علوم ادبی

علاقه امیرنظام به علوم ادبی را می‌توان در کلمه به کلمه و سطر به سطر نامه‌های وی مشاهده کرد. در «پندنامه یحیویه» پسرش را به بهره‌مندی از علوم ادبی توصیه کرده و می‌نویسد: «بر تو باد که در تحصیل علوم ادبیه، جهد وافی به عمل آوری و اگر از علوم بهره نیابی، زنهار به محض تقلید، به ادای الفاظ عربیه، مبادرت مکن.» (گروسی، ۱۳۹۴: ۳۱)

بخشی از اقدامات فرهنگی امیرنظام را در قالب توجه وافر به ادبیات می‌توان چنین خلاصه نمود:



پند نامه یحیویه که آن را در محرم ۱۲۷۰ قمری در سفر به سلطانیه و زمانی که در رکاب ناصرالدین شاه بود نوشت. این پند نامه مکتوب و در واقع وصیت نامه او به فرزندش یحیی، و مملو از روح ادب و ادبیات است که با خطی زیبا به رشته نگارش در آورده است.

دستور به کتابت دیوان فرخی سیستانی توسط محمدخان سرهنگ افشار در سال ۱۳۰۴ قمری. این نسخه به خط زیبای شکسته نستعلیق مکتوب گردیده و دارای سه لوحه زیباست و همه برگ‌ها با طلا و لاجورد و زرنگار جدول کشی شده است.

کتابت دیوان منوچهری دامغانی که به دستور امیرنظام و توسط محمد صادق خان قاجار نوشته شده است.

چاپ سنگی کلیله و دمنه بهرامشاهی به نفقه امیرنظام و به تصحیح حاجی میرزا محمد کاظم حسینی طباطبایی و کیل الرعایای آذربایجان (ملقب به اعتضاد الممالک) و به خط میرزا باقر منشی تبریزی.

گردآوری «منشآت فرهادمیرزا» [از نوادگان فتحعلی شاه قاجار]. گر چه از لحاظ تفکر در صف مخالف وی قرار داشته است.

همچنین، میرزا حبیب اصفهانی (نویسنده و مترجم کتاب حاجی بابای اصفهانی) که از مؤلفان کتاب‌های درسی فارسی بود، مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب خود یعنی «دستور سخن» را در عثمانی به تشویق امیرنظام [سفیر آن روز ایران در عثمانی] تالیف کرده است. نیز نقل شده است که: به دستور امیرنظام، میرزا محمدحسین مکتب دار، گلستان سعدی را با خطی زیبا نوشته بوده است. (قیداری، ۱۳۹۰: ش ۳)

### امیرنظام و ادیبان

ایرج میرزا: ایرج میرزا از نوادگان فتحعلی شاه قاجار، شاعر توانای عصر قاجار و از دست پروردگان مکتب امیرنظام گروسی است. امیرنظام، ایرج را به چشم فرزند خویش می‌نگریست و تمام راه‌ها را برای کمال در برابر او گشود و در معرفی وی به اهل فضل و صاحبان دانش کوشید. همچنین به پایمردی امیرنظام بود که ایرج به لقب «فخرالشعرا» مفتخر شد. ایرج در

خط تحریری مقلد امیرنظام و از شاگردان مکتب خطاطی وی است و در طبیعی گفتن و ساده شعر سرودن نیز از شیوه امیرنظام پیروی می‌کرد.

**- ادیب الممالک فراهانی:** میرزا محمدصادق امیری (۱۳۳۵ - ۱۲۷۷ ق) معروف به ادیب الممالک فراهانی با امیرنظام گروسی ارتباط قوی داشت. در زمانی که امیرنظام وزیر فوائد عامه بود ادیب الممالک با وی آشنا شد و به مناسبت این آشنایی، تخلص خود را از پروانه به «امیری» مبدل ساخت و با او به کرمانشاه رفت و در ایام پیشکاری امیرنظام در آذربایجان، همراه وی بود.

بنا به گفته ادیب الممالک، امیرنظام در عید غدیرخم به سال ۱۳۱۰ ق از بیجار به قرمیسین آمد، تا کسانی را که بر ضیاءالدوله شوریده بودند، گوشمالی دهد که ادیب الممالک با خواندن ترجیع بندی خشم او را فرونشاند و سبب شد امیر از جرم گنهکاران بگذرد. میرزا فتح خان شیبانی و نظام العلماء از دیگر شعرائی بودند که در مدح امیرنظام اشعاری سروده‌اند. (بسناس، ۱۳۸۰: ۹۷)

### ادیات انتقادی امیرنظام

«روزنامه‌های عهد ناصری - حتی روزنامه‌ای که ظاهراً عنوان دولتی داشت - همه دولتی بودند و ما از دوره ناصرالدین شاه روزنامه‌ای که دولتی نبوده و در خود ایران منتشر شده باشد، نمی‌شناسیم. در عهد کوتاه سلطنت مظفرالدین شاه نیز تا اعلان مشروطیت، جراید آزاد منتشر نمی‌شد و روزنامه‌ها به شدت از سوی حکومت و شخص شاه کنترل می‌شدند. لذا روزنامه‌هایی که در خارج از ایران منتشر می‌شد، به صورت قاچاق و به وسیله جهانگردان، مسافران و زوآر، یا ضمن بارهای تجاری به ایران فرستاده می‌شد و محرمانه و با احتیاط دست به دست می‌گشت. جای تأمل دارد که امیرنظام که آن زمان در منصب وزارت فوائد عامه بود، به صراحت تمام ضمن تحسین روزنامه اختر [هزار آفرین بر برازنده این اخلاق و طرازنده این اوراق و مؤسس این معانی و مهندس این مبانی...]. به بهره‌های اخلاقی، ادبی، سیاسی و اجتماعی آن اشاره می‌کند و می‌نویسد: «... اگر مفتاح آدایش خوانند، رواست و اگر سرمایه

اخلاقش دانند... و آرای مستقیم را به وظایف بینش، لطایف آفرینش و استحکام قواعد دین و دولت و انتظام قوانین ملک و ملت دعوت کند، زینده است که خاص و عام از کلمات حکمت آمیز آن بهره‌ها یابند و فایده‌ها بگیرند.

دوستی و معاشرت امیرنظام با صاحبان اندیشه و قلم مخالف دولت، چون ایرج میرزا، میرزا فتح الله خان شیبانی و چهره آزادی خواه و روشن فکر طرفدار قانون «میرزا یوسف خان مستشارالدوله» همه خود حاکی از افکار ترقی خواهانه و روشنفکرانه امیرنظام گروسی است. چنان که رساله «یک کلمه» میرزا یوسف خان مستشارالدوله به خط زیبای امیرنظام به تحریر می‌آید. (مهدی زاده، ۱۳۷۸: ۱۵۴)

### سبک نثر در دوره قاجار

دوره بازگشت ادبی با سقوط صفویه آغاز می‌شود و تقریباً تا اواخر دوره قاجار را در برمی‌گیرد. نویسندگان بازگشت ادبی به لحاظ وقوع تحولات سیاسی و اجتماعی و آشنائی با آثار نویسندگان و محققان خارجی، گشایش باب ترجمه و رواج روزنامه و روزنامه نگاری بازار ساده نگاری گرم شد و مغلونویسی و زیاده گویی رو به کسادی گذاشت. (خاتمی، ۱۳۷۴: ۳۲)

نثر فارسی در این عصر (قاجار) راهی تازه در پیش دارد و قدری متفاوت می‌نماید، دلیل این امر آن است که برخی از کسانی که در این عهد دست به قلم برده و مطلبی نوشته‌اند، کمابیش با دنیای بیرون از ایران ارتباط داشته و داعیه روشنگری در سر می‌پرورانده‌اند. از این رو نثر این دوره، به تدریج به سمت سادگی و سهولت در برقراری ارتباط با مخاطبان خویش پیش می‌رود و از نظر محتوا نیز دربردارنده انتقادهای کم رنگ اجتماعی و سیاسی است.

(پارسا نسب، ۱۳۸۷: ۹۱)

### سبک منشآت امیرنظام گروسی

منشآت امیرنظام گروسی به شیوه قائم مقام و به سبک بینابین و شیرینی است. منشآت امیرنظام بسته به این که به چه کسی نوشته و در چه موضوعی باشد ساده یا مصنوع است، اما کلاً می‌توان سبک آن را بینابین مایل بر ساده دانست. (بهار، ۱۳۸۶: ۲۴۳)

امیرنظام حسنعلی خان گروسی، نگارش خط را اصلاح و ابداع فوق العاده نمود. وی از یک طرف شیوه مخصوص به خود، تحریر ریز را ایجاد و رسمیت داد و از سوی دیگر اصول متبوع و خوشایند ساده نویسی را مرسوم و معمول گردانید. (ساده نویسی سهل و ممتنع) و بدین اقدام ادبی بزرگ، تیپ منشیان و فضلالی املا و انشا را از دشواری و فشار طاقت فرسای تصنیفات عربی کتابت رهایی بخشید. این اصلاحات ابتکاری این مرد بزرگ سیاست و خط فراموش کردنی نیست. (تقی زاده، ۱۳۴۵: ۲۷)

از مهم ترین ویژگی‌های سبکی این اثر، می‌توان موارد ذیل را نام برد:

### ۱- رعایت اختصار و ایجاز و تأکید بر این مهم

امیر نظام در «پندنامه یحیویه» پسرش را به رعایت ایجاز و اختصار سفارش کرده و می‌نویسد: «در ایجاز و اختصار کلام بکوش که از اطناب و تطویل شنونده را ملل خیزد...» (گروسی، ۱۳۹۴: ۳۰)

نمونه ای از ایجاز و اختصار کلام:

«و با این معلومت و با این محققات، نهایت تکلیف این است که: بیایم و ببینیم و می‌دانم، وقتی که، آمدم و دیدم، چیزی بر اعتقادم نخواهد افزود و همین است که هست. (همان: ۶۴)

به جهت رعایت اختصار اغلب حذف افعال در جملات مشهود است و حذف بدون قرینه و حذف فعل کمکی فراوان به چشم می‌خورد.

-حذف با قرینه:

« کاغذهای شمارا به بیگریگی داده و از مسورات آن مطلع شده‌ام. (همان: ۶۲)

«و بدانید که امیر تومان زین العابدین و برادرش را تحت الحفظ فرستاده. البتّه به ژنرال قنصول اطلاع داده‌اید و هر وقت جواب رسید اظهار بفرمایید که آن‌ها را مراجعت بدهم. خطوط من نزد آقا میرزا مهدی مثل شاهدی در مجلس کوران و مصحفی در سرای زندیقان... (همان: ۵۹)

### نمونه نامه کوتاه منشآت امیر نظام

معمد السّلطان؛ من همیشه و هر ساعت با شما کار دارم؛ و اگر گاهی خود شما به استناد مشاغل شخصی خواسته باشید راحت شوید؛ و امروز هم از آن جمله است که با این که خیال داشتم به نوشتن کتابچه‌ی اختلاف دستورالعمل‌ها مشغول باشم و زحمتش به شما بدهم، محض آسودگی شما امروز را موقوف کردم؛ و إن شاء الله تعالی از فردا باید مشغول به این کار باشید. زیاده والسلام (همان: ۴۹)

#### ۲- اطناب: امیر نظام در برخی موارد جملات را با اطناب آورده است:

- خدا گواه است که از وقوع این قضیه به جدی محزون و متأسفم که مزیدی بر آن متصوّر نیست همانا مکارم اخلاق و محامد صفات و حسن مجاورت و آداب معاشرت و مراتب فضل و مقامات حکمت و دیگر شئون عالیّه آن جوهر آدمیت و خلاصه انسانیّت، به منزله و مشابه تمثالی است که پیوسته در نظرم مجسم و همواره در خاطر من متصور است که نه با هیچ شاغلی با او مشغول می‌شوم و نه با هیچ مانعی او را فراموش می‌نمایم. (گروسی، ۱۳۹۴: ۳۸)

- عرض می‌کنم که در ایام ناخوشی در عین اشتداد مرض که مطلقاً امید حیات نبود خود را از کار معاف نداشته به اقتضای تکالیف چاکری و عبودیت به تمشیت کارها مشغول بودم و تا جان در بدن و رمق در دارم در هر حالت باشم از شرایط چاکری و جان نثاری و از تکالیف بندگی و عبودیت خود قصور نخواهم کرد. (همان: ۱۳۹)

- از تأخیری که در عرض جواب و اظهار مراتب ارادت روی داد شرمنده و خجلم و چیزی که مایه تسلی است تقصیر و تأخیر در ذریعه نگاری از قصور ارادت و طریق غفلت نبوده و

تکیه و اعتماد به عفو و اغماض جناب عالی با گرفتاری‌های خودم دست به دست داده، مانع ذریعه نگاری و مایه خجالت و شرمساری شده است. (همان: ۱۲۵)

### نمونه نامه بلند منشآت امیر نظام

فدایت شوم؛ مطلبی است لزوماً و بالضروره با شرح و بسط جناب عالی عرض می‌نمایم که، چند وقت قبل که عالی جاه فخامت همراه میسیو پطروف جنرال، قنصل روس بی دلیل موجه و بی حق شکایتی از جانب ساعد الملک اظهار نارضامندی کرد، و با ایشان ترک مرادده نمود، و جناب عالی بر حسب اوامر علیه همایونی تحریراً و تلگرافاً مرقوم فرمودید که، جناب معزی الیه از ژنرال قنصل ترضیه حاصل کند. اگر چه ساعد الملک به ملاحظه این که ژنرال قنصل من غیر حق از او شکایت کرده، چه رسماً و چه شخصاً خود را به دادن ترضیه راضی نمی‌کرد. سهلست با کمال اصرار از کفایت کارگزاری مهّم خارجه در مقام استعفا بود. اما مخلص به هر طور بود، معزی الیه را ساکت و متقاعد کردم؛ و محض امتثال امر همایونی و اطاعت فرمایش جناب عالی رفته، از ژنرال قنصل ترضیه حاصل کرد و برای تکمیل رضامندی ژنرال این مخلص ضیافتی ترتیب دادم، و طرفین با یکدیگر صفا کردند؛ و لازمه آن ترضیه و تصفیه این بود که، ژنرال قنصل سبک خود را با جناب ساعد الملک، تغییر داده با ایشان در مقام مودت و موافقت باشد؛ و امور اتّفاقیه را بر وجه مساعدت، تسویه نماید. اما راست باید گفت و متأسفانه به جناب عالی اطلاع می‌دهم که، ژنرال قنصل هیچ نوع تغییری به مسلک خود نداده سهلست. ماده مخالفت با ساعد الملک را قوت داده و علاوه بر این که، طرز مرادده و رفتار ظاهری ایشان با ساعد الملک، با حالت مودت و موافقت منافات کلی دارد، و علائیه و آشکار، با ایشان در مقام بهانه جویی و بدگویی است، بنای مراسلات رسمی خود را، هم بر عبارات سخت و درشتی قرار داده‌اند که، از سبک و وضع و طرز و اسلوب تحریرات رسمیّه خارج است؛ و در مکاتیب خود، غالباً عبارات و الفاظی درج می‌نماید که، مبنی بر تحکم صرف و اجرای تکالیف غیرمحقّه و منافی حفظ احترام و رعایت مقام ساعد الملک است. از جمله در همین روزها مراسله در مسأله ادّعی حاجی ابراهیم نام اردوبادی به

معزّی الیه نوشته، سواد آن را با جوابی که، ساعد الملک به ایشان نوشته‌اند، لفاً ارسال خدمت نمودم؛ و ملاحظه خواهید فرمود که، ژنرال قنسول چه عبارت‌های زشت و چه الفاظ بی احترامانه، در مراسله رسمی خودش مندرج کرده؛ و جناب ساعدالملک با چه رعایت احترام و با چه دلایل حسابی، جواب ایشان را نوشته‌اند. لفاً ارسال خدمت نمودم. بالجمله بی پرده و از روی حقیقت به جناب عالی عرض می‌نمایم که، جناب ساعد الملک به واسطه ظهور این نوع نوشتجات و حالت‌ها، و این نوع بهانه جویی‌ها و مشاهده این نوع نوشتجات بی احترامانه ژنرال قنسول، یک باره و بالمره به تنگ آمده و در مقابل حرکات ناگوار و تحریرات بی احترامانه مشار الیه، زیاده بر این صبر و تحمل را در قوه خود ندیده، چهار روز قبل عریضه استعفایی از، کفالت کلیه مهّام خارجه آذربایجان به حضور مبارک حضرت ارفع امجد والا عرض کرده؛ و باز عزم و نیت ثابتش این بود که، استعفای خود را تلگرافاً به جناب عالی نیز عرض نماید، و باز هم مخلص به هر زبان، و به هر تدبیری که بود، ایشان را تسکین داده، از این خیال منصرف کردم؛ و حالا این ذریعه را خدمت جناب عالی عرض می‌نمایم، که در مقام انصاف این طور بهانه جویی‌ها و استخفاف‌ها و تحقیرهای تحریری و شفاهی، و این تحکّمات غیر معهود ژنرال قنسول روس، با دوستی محکم و موذّت کامله دولّین ذی شوکتین، و با سبک و طرز مأمور رسمی یک دولت بزرگی موافقت ندارد؛ و چون غیر ممکن و محال است؛ و ابدأ تصوّر نمی‌توان کرد که، جناب جلالت مآب، وزیر مختار این طور رفتار و این طور نوشتجات را از جنرال قنسول تصدیق نمایند. لازمست که، جناب جلالت مآب عالی صورت امر را به جناب معزّی الیه اطلاع داده و سواد مراسله ی ژنرال قنسول را، به ملاحظه ایشان برسانند؛ و به حکم ضرورت تغییر سلوک مأمور خودشان، و ترضیه جناب ساعد الملک که، شخصاً و شأناً یکی از رجال و اشخاص محترم دولت علیّه ایران است؛ و سال‌ها به سمت وزیر مختاری در دربار آن دولت شناخته شده، از جناب عالی بخواهند که اگر کار با این وضع که هست بماند، نه تنها ساعد الملک از عهده کفایت امور خارجه بر نمی‌آید، و محققاً استعفا خواهد داد، بلکه هیچ کارگزار دیگر از، عهده مهّام خارجه آذربایجان بر نمی‌آید؛ سهلست تکلیف جناب عالی

و مخلص، نیز زیاده از حدّ دشوار خواهد شد؛ و به غایت مشکلاتی بر آن مترتب خواهد گشت؛ که ملاحظات دقیقه‌ی جناب عالی بر آن‌ها احاطه دارد، و حاجت به اظهار مخلص نیست.

و باز هم صریحاً عرض می‌نمایم که، قرار درستی در تغییر رفتار ژنرال قنسول، و یا در تعیین مأمور دیگر به جای ایشان، داده نشود برای جناب جلالت مآب عالی، و جناب جلالت مآب وزیر مختار باعث مزاحمت کلی خواهد بود؛ و در مهّم خارجه‌ی آذربایجان که، نهایت اهمّیت دارد، اختلال عظیمی به هم خواهد رسید و تکلیف مخلص بود، که امر و صورت حال را بی پرده، به جناب عالی اطلاع بدهم. زیاده مصدّع نمی‌شوم. صفر ۱۳۰۱. (گروسی، ۱۳۹۴: ۱۳۶)

### ۳- استشهاد به ایات عربی و فارسی:

امیر نظام اشعار برگان ادب فارسی را گاهی بر وجه تضمین و گاهی به عنوان حشو ملیح و گاهی بر سیل توشیح در تحریرات خود به کار می‌برد. وی نزدیک به ۱۵۰ بیت از اشعار فارسی و عربی را از شاعرانی چون؛ مولوی، حافظ، سعدی، سنایی... نقل کرده است و گاهی متناسب با موضوع، خودش نیز شعر سروده است. نمونه‌هایی از اشعار فارسی:

- معتمد السلطانا، واقعاً در هیچ نقطه یک ساعت آسودگی ندارم  
هر کجا خواهد، خدا دوزخ کند  
اوج را بر مرغ، دام و فسخ کند  
(مولوی، دفتر سوم) (گروسی، ۱۳۹۴: ۴۰)

- دیگر هیچ تربیت و آدابی نباید جست «باید بیرون کشید از این ورطه رخت خویش»

که قسمتی از بیت ذیل می‌باشد:

ما آزمودیم در این شهر بخت خویش      باید بیرون کشید، از این ورطه، رخت خویش

(حافظ، غزلیات) (گروسی، ۱۳۹۴: ۴۹)



- مخلص بی اختیار در هر دو روزی یک بار سوار شده به طرفی می روم «هر جا که هست بی تو نباشد نشست ما» (۶۰:۶۰) اقتباس دارد به بیت زیر:

برخاستیم و نقش تو در نفس ما چنانک  
هر جا که هست بی تو نباشد نشست ما  
(سعدی، دیوان اشعار)

آن عبا پوشیده از دوشم بریخت  
مانده ام وقت سواری بی عبا  
تار و پودش یکسره از هم گسیخت  
واندرین برف و دمه یک لاقبا  
(گروسی، ۱۳۹۴: ۱۲)

### تمثل به اشعار عربی:

-منسوب به امیرالمؤمنین علی(ع)

لِنَقْلِ الصَّخْرِ مِنْ قَلْلِ الْجِبَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَنْ الرِّجَالِ  
(همان: ۳۵)

إِنَّ الْفَتَى مِنْ يَقُولِهَا أَنَا ذَا لَيْسَ الْفَتَى مِنْ يَقُولِهَا كَانِ ابْنِي  
(همان: ۳۴)

-منسوب به امام حسین(ع)

إِذَا كَانَتِ الْإِبْدَانُ لِلْمَوْتِ خَلَقَهَا فَمَوْتِ الْفَتَى بِالسَّيْفِ وَاللَّهِ أَجْمَلُ  
(همان: ۳۲)

إِذَا قِيلَ أَيُّ النَّاسِ شَرُّ قَبِيلِهِ إِشَارَتِ كَلْبٍ بِالْأَكْفِ الْأَصَابِحِ  
(همان: ۱۴۵)

-ابن المعتز:

أَنَيْسُ الْفَتَى فِي الدَّهْرِ خَلٌّ مَسَاعِدٌ خِيَانُ فَاتَةِ الْخَلِّ الْمَسَاعِدِ فَالْخَمْرِ  
(همان: ۱۴۸)

#### ۴- استفاده از ضرب المثل‌ها

- هزار افسوس و هزاران حسرت، دست ما کوتاه و خرما بر نخیل ... (گروسی، ۱۳۹۴: ۱۴۸)
  - آنچه در اخلاص و ارادت آن شخص به امین شرع گفته ام از یمی نمی و از فیضی غیضی است. (همان: ۸۷)
  - عالماً عامداً چشم حق بینی و زبان حق گویی را بسته، بی سروپا می‌رویم تا به کجا سرنهم. العاقلُ یَکْفِیهِ الْإِشَارَةُ. (همان: ۱۵۷)
  - اقللاً از هدایای خراسان یک چیزی برای من بفرستید تا بنده نیز به همت و فتوایی که دارم از گناهان بزرگ و ذنب لایغفرسرکار و الاعفو و اغماض کرده از هدایای آذربایجان تقدیم نمایم و الا خواسته باشید با رندی و رسم ظریفی از مخلص چیزی بگیریید لایلدغ المؤمن من حَجَرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ. (همان: ۲۰۱)
  - پس از ملاحظه صلاح و فساد آن، درنگ مکن و کار امروز را به فردا مگذار. (همان: ۳۱)
  - به فرمان یزدان تسریح باحسان را کاربند که دو جانب را آسودگی در آن است. (همان: ۳۳)
- ۵- تأثیر پذیری از آیات و احادیث:**
- جهد کن خود بالأصالة، شایسته و درخور مدحت و ستایش باشی که «المرء یفتخرُ بالهمم العالیه لابالرمم البالیه» (گروسی، ۱۳۹۴: ۳۳)
  - همانا در مملکت ما قیامت دیگری است که «یفر المرء من اخیه و صاحبته و بنیه» (همان: ۷۸)
  - در دلم گفتم: «ذهب الذین یعاش فی اکنافهم و بقوا الذین وجودهم لاینفع» (همان: ۱۰۲)
  - اجمالا اشعار می‌نمایم که چشمم آب نمی‌خورد و ظلمات بعضها فوق بعض به نظر می‌آید. (همان: ۶۳)
  - حقیقت مطلب مختصر و خوش مضمون نوشته بودید توانم گفت: لا عین رأت ولا أذن سمعت. (همان: ۳۷)

- شکر خدای را که بنیان اخلاصم «كِبْجَلٍ لَا تَحْرِكُهُ الْعَوَاصِفُ»، ثابت و راسخ است و تغییر پذیر نیست (همان: ۱۲۵)

### برخی ویژگی‌های ادبی منشآت امیر نظام

امیر نظام در منشآت، مطلب را ساده و بدون تعقید بیان می‌کند و فرزندش را از مادای الفاظ مغلق و عبارات غیر مأنوس نهی کرده و می‌نویسد: «از ادای الفاظ مغلقه و عبارات غیر مأنوسه کناره جوی که سخره مردم نشوی.» (گروسی، ۱۳۹۴: ۳۰)

وی معتقد است از آنجا که مردم عادی سخن ساده را مکروه می‌شمارند باید در فنون سخن مهارت داشت:

«مردمان ساده سخن را مکروه شمارند. پس تو باید در فنون سخن تبحر داشته باشی تا در محفلی به مناسبت مقام در خور طباع سخن گویی.» (همان: ۳۱)

هم چنان که ذکر شد نثر امیر نظام در منشآت ساده و بی تکلف است، اما گاهی وی از برخی از صنایع بدیع لفظی و معنوی چون؛ تشبیه، سجع و جناس و ترصیع و... بهره برده است.

### تشبیه:

- نیم شبی در لشکرگاه سلطانی که قبه خرگاه خدیو گردون خدم و خسرو ستاره حشم، سلطان السلاطین جهان، ناصرالملّه و الدّیّا و الدّین - خَلْدَالله ملکه و سلطانه از بسیط خاک به قمّه افلاک رسیده. (گروسی، ۱۳۹۴: ۲۹) *گناه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

- رقیمه شریفه را جالا به خانه آمدم، زیارت نمودم آن را دوحی دیدم مصور و گویکی دیدم منور. (همان: ۳۷)

- خطوط من نزد آقا میرزامهدی مثل شاهدی در مجلس کوران و مصحفی در سرای زندیقان. (همان: ۵۹)

- دست خط مبارک حضرت والا، چون پیک عالم بالاشراف، نزول یافت غم برد و شادی آورد. ندانستم، آیه رحمت بود یا، بایی از جنت به رویم گشود. (همان: ۷۱)

- مرقومه ای به خط مبارک که نقطه های بی اندام دم عقبی آن بر کلمات مرقمط ممتنع القرائت آن غالب بود. (همان: ۱۴۹)

### کنایه:

و آلا زه کردن کمان حاجی حسین میرزا بسی دشوار است. (همان: ۱۹۱)

کمان زه کردن، کنایه از دعوی کمال کردن. (دهخدا)

فدایت شوم، باز قلمی برداشته و دو اسبه بر من بیچاره تاخته بودید. (همان: ۱۱۳)

دو اسبه تاختن، کنایه از قدرت نمایی کردن، هجوم بردن، (دهخدا)

### جناس:

هر طرف نظر کردم جز ناله و اندوه یاری و جز ضعف و ناتوانی پرستاری در کنار خود ندیدم (گروسی، ۱۳۹۴: ۳۹)

کار تهران به عشوه است و رشوه، عشوه را جمال ندارم و رشوه را مال (همان: ۶۸)

شاهد بر سر عبدالله جعفر است که بار خاطر خودتان و یار شاطر منش قرار دادید. (همان: ۷۸)

از التفات های جناب عالی نسبت به من قصه ها گفت و غصه ها برد (همان: ۱۶۱)

نوشتجات یک ورقی پشت و رو سیاه با خط غبار شما را به جناب امین لشکر می بینم و حظ می کنم. (همان: ۱۴۱)

### موازنه و ترصیح:

- نثرش همه خالی از سجع است و نظمش همه عاری از بحر. (گروسی، ۱۳۹۴: ۵۴)

- عرض می شود، رقیمه کریمه که رایحه محبت که از او ساطع و لایحه مودت از او لامع با

هدایای متبرکه که هر یک در درجه خود نهایت امتیاز و اختصاص داشت رسید. (همان: ۴۶)

- نواب والا تصاحب اسب مزبور را با صفات مرقومه و اوصاف مسطوره غنیمت شمرده، مقدم

او را گرامی داشتند. (همان: ۸۲)

- تا از قید ارومی و رنج حدود رومی خلاص شدید و نجات یافتید. (همان: ۲۰۳)

- هرچه می دهم و هر کجا می روم همان احمد پارینه و محمد دیرینه ام. (همان: ۶۸)

## برخی از ویژگی های ننوی

### - استفاده از اصطلاحات دیوانی:

در منشآت امیر نظام برخی از اصطلاحات دیوانی به چشم می خورد مانند: آخور سالار، آدم، استیفا، امیر آخور، امیر تومان، بیگلربیگی، پیشکار، تنخواه، تیول، شاگرد، قصه، قوللر آقاسی باشی، میرشکار، نقیب، وقایع نگار و...

«کاغذهای شما را به بیگلربیگی داده و از مسورات آن مطلع شده ام.» (همان: ۶۲)

بیگلربیگی؛ از زمان صفویه، حکام بزرگ (استان داران) را بیگلربیگی می گفتند. عنوانی مرکب از بیگ (امیر) لُر (نشانه جمع) و «ی» (پسوند اضافه ترکی). بیگلربیگان حکامی بودند که از پایتخت تعیین می گشتند، اما گاه در مورد به خصوص این سِمَت موروثی بود. (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۸۷)

«در باب تیول میرزا مهدی، آنچه نوشته شده خدمت جناب عالی می فرستم.» (گروسی، ۱۳۹۴: ۷۳)

تیول: ترکی، ضیاع، ملک اربابی، قلمرو فرمانروایی، حیطة نفوذ تملک و تصرف ملک عقاری و زمین داری. (ناظم الاطباء)

«از قوللر آقاسی نهایت رضایتمندی را داریم و خدا گواه است...» (همان: ۱۷۱)

قوللر آقاسی باشی؛ رئیس خادمان، گارد مخصوص شاه، سالار غلامان سرایی معادل این اصطلاح در دوره صفویه و امروز فرمانده گارد شاهی است. (ناظم الاطباء) خاطر خود را مصورف به تکمیل ان ترتیبات و تقویت امیر تومان فرموده اند... (گروسی، ۱۳۹۴: ۱۲۷)

امیر تومان: (ترکی) فرمانده قشونی قریب به ده هزار نفر، امیر لشکر (معین)

- استفاده از ترکیبات عامیانه: مانند: جان کندن، آسمان جل، یک وری افتادن، پرت شدن، چشم آب نخوردن، ماست مالی، ...

«مع هذا در دادن رسومات جان می کند.» (گروسی، ۱۳۹۴: ۵۲)

«مخدوم من، ما مرمان آسمان جُل در این جا از عدم خرجی دم گرممام سردی گرفته و چهره سرخمان زردی پذیرفته... قباحت دارد، خان معنی این حرکت ها یعنی چه...» (همان: ۱۴۷)

حاجی غلام معرکه گیر است که چانه شان می چاید و این همه بخوانند و این همه بسرایند. (همان: ۱۹۲)

**- استفاده از برخی از الفاظ و جملات ترکی:** مثل: آرخالیق، آنجاق، سنکل، افندیم

«این که قباى بی آرخالیق هدیه کرد امساک نبود...» (همان: ۹۷)

آرخالیق: (واژه اصیل ترکی) آرخا (پشت، دوش) و، الیق (شانه ای) به معنی لباسی که از زیر قبا پوشند. (نائبی)

«جوابی که به افندی نوشته اید...» (همان: ۵۸)

افندی: (ترکی استانبولی) (Efendi) به طریق احترام به جای «اقا» به بزرگان اطلاق می شود. (معین)

**- استفاده از الفاظ انگلیسی و فرانسوی:** مثل: پارڈن، ژنرال، قنسل، انکیز، آجودان، راپورت و...

«و محض امثال امر همایونی و اطاعت فرمایش جناب عالی رفته و از ژنرال قنسل ترضیه حاصل کرد.» (گروسی، ۱۳۹۴: ۱۹۳)

ژنرال: (انگلیسی) عنوانی است مربوط به افسر عالی رتبه در ارتش های خارجی. (معین)

قنسل: یا کنسول (فرانسوی) نماینده سیاسی یک دولت در کشوری بیگانه (همان)

عرض می شود این راپورتی که از اعمال مولانا به جناب عالی رسیده... (گروسی، ۱۳۹۴: ۴۴)

راپورت: (فرانسوی) گزارش، سخن چینی (معین)

**- آوردن مترادفات:**

- خاصه در حالتی که من شما را از خود می دانم و این که رسومات و تعارفات از وضع

یگانگی و اتحاد دور است. (گروسی، ۱۳۹۴: ۴۱)

- هر شخصی را می خواست از روی تمسخر و استهزاء به علم و فضل نسبت بدهد... (همان: ۹۱)

- خاصه که این اوقات آلام و اسقام روحانی و جسمانی از جهات عدیده بر من حمله آورده... (همان: ۹۹)

- او را به انشای آن قصاید تحریض و ترغیب فرموده اند. (همان: ۱۰۷)

- از دوری و مفارقت جناب عالی حالتی دارم که بدتر از آن به تصور نمی آید. (همان: ۱۷۴)

- مانع بزرگ آن چیزی است که شما رفع او را سهل و آسان می دانید و من غیر ممکن و محال می دانم. (همان: ۶۴)

### سبک شروع نامه‌ها

نامه ها اغلب با چنین عباراتی آغاز می شود: فدایت شوم، عرض می شود، مخدماً مکرمماً، معتمد السلطانا، اشهد بالله، مقرب الخاقانا، آقایان محترم، بادر مکرم مهربانا، روحی فداک، نور چشم، خدایگانا معظما، امیر الامراء العظما، جناب جلالت مآب، جلالت فضایا، آقا جان، قبله و امید گاهها.

« فدایت شوم، شکر خدا را که کسالت مزاج شریف رفع شده... » (گروسی، ۱۳۹۴: ۵۸)

« روحی فداک، دو نوشته شما با یک ثوب آغری رسیده.. » (همان: ۶۲)

مقرب الخاقانا، هفته قبل نوشته بودید که حضرت امجد ارفع... » (همان: ۱۲۲)

و به ندرت گاهی با شعر آغاز می شود:

روحی	فداک	ای	محشتم	لییک	لییک	ای	صنم
ای	روی	تو	شمس الضحی	وی	روی	تو	الظلم

(همان: ۵۴)

### سبک خاتمه نامه‌ها:

در خاتمه نامه ها از روش های متفاوتی استفاده شده است، از جمله موارد ذیل:

۱- ختم به دعا:

والسَّلامَ علیکم ورحمته الله و برکاته. (گروسی، ۱۳۹۴: ۳۷) ، والسَّلامَ خیر ختام. (همان: ۴۰)  
 ادام الله اقبالکم. (همان: ۵۶) ، اللهم اجعل عواقب امورنا خیرات. (همان: ۱۵۴)  
**۲- عباراتی مانند:** زیاده از حد ممنون شدم. (همان: ۴۱)، زیاده زحمت نمی‌دهم.  
 (همان: ۶۳)

زیاده مصدع نمی‌شوم. (همان: ۶۷)، زیاده عرضی ندارم. (همان: ۷۸)

### ۳- ختم به یک یا دو بیت:

ای آنکه به رنج و بی‌نوایی مرده      در حالت وصل از جدایی مرده  
 با این همه آب ، تشنه لب رفته به خواب      اندر سر گنج از گدایی مرده  
 (همان: ۶۸)

- یک بیت:

جایی که پشک و مشک به یک انگست      عطار گو بیند دگان را  
 (همان: ۴۹)

### ۴- جمله عربی:

قَطْعُ الحُلُقُومِ خَيْرٌ مِنْ قَطْعِ المَرْسُومِ. (همان: ۱۵۵)

### ۵- ضرب المثل عربی:

العَاقِلُ یُکَفِّیهُ الْإِشَارَةَ. (همان: ۱۵۶) الله اعلم بحقایق الامور. (همان: ۱۸۵)

لَا یُلْدَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ حَجَرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَینِ. (همان: ۲۰۱)

### ۶- جمله ترکی:

- بونلاردان فایده یوخدور. (همان: ۱۷۴) تصدیع اتمییه لیم، رفع زحمت ایدلیم. (همان: ۲۰۴)

### نامه‌های دیوانی

- در نامه‌های دیوانی به برخی از حوادث و مسائل مهم تاریخی و اجتماعی عصر خود اشاره کرده است. مثل؛ طلب استخدام، صدور حکم امام جمعه، رسیدگی به عرایض و شکایات مردم، تصدیق اسناد مالکین، گزارش حادثه راه آهن شاه عبدالعظیم، تصدیق استیفای ساعد



- الملک در منصب سفارت لندن افتتاح مدرسه مظفریه، اظهار خوشوقتی از تفویض کارگزاری مهّام خارجه آذربایجان به جناب جلالت مضاب مستشارالدوله و...
- در باب طلب استخدام فرد صاحب سواد و خطّ از معتمد السلطان می باشد و برای او همچنین از نداشتن فراغت از کارهای دیوانی در مقدمه شکایت می کند. (گروسی، ۱۳۹۴: ۴۰)
- به عرایض و شکایات مردم و رفع ظلم و احقاق حقوق از آنان سعی می کند و خواب و آرام را بر خود حرام می کند. (همان: ۴۱)
- اسناد مالکین را تصدیق می کند و می گوید مقرب الخاقان مالک بالفعل کوزه کنان است و حق هیچ نوع ادعایی بر مزارع فرح آباد ندارد. (همان: ۴۳)
- با گزارش حادثه در راه آهن شاه عبدالعظیم، بیان می دارد که با انتشار این اخبار هیچ کمپانی، راه آهن را به نقاط دیگر امتداد نمی دهد و هیچ تبعه خارجی، در ساختن راه شوسه از اواجیق به قزوین شرکت نمی کند. (همان: ۴۴)
- افتتاح مدرسه مظفریه را یکی از اعیاد ملی بیان می دارد و اظهار امیدواری می کند که شاگردان درس و تحصیل را در جهت جلب منافع برای دولت و ملت خود قرار می دهند. (همان: ۴۶)
- به مأمورین دولت و حکام محروسه سفارش اکید می کند که با والی خوی و سلماس جناب فخامت نصاب محمدخان والی کمال موافقت و مساعدت داشته باشند. (همان: ۷۰)
- دفع فتنه حمزه آقا را کارشگرف و امری بزرگ می شمارد که با تدبیر امیر نظام، رشته فساد آن بد ذات مثل رشته حیاتش قطع شد و آتش فتنه ای که با او گرفته بود فرو نشست. (همان: ۸۹)
- استعفای ساعد الملک را در منصب سفارت لندن تصدیق می کند. (همان: ۱۳۵)
- اظهار خوشوقتی از تفویض کارگزاری مهّام خارجه آذربایجان به جناب جلالت مضاب مستشارالدوله را اظهار می کند که با آگاهی و بصیرتی که دارد و لیاقت و کفایتی را که او راست. مهّام خارجه آذربایجان را که نهایت اهمّیت دارد، بسیار خوب اداره می کند.
- (همان: ۱۷۰)

**نتیجه گیری**

امیر نظام مطلب را صاف و ساده و جاده مستقیم و بی اعوجاجی بیان می کرد. سبک نثر وی ساده و بینابین است و رعایت ایجاز، تضمین اشعار فارسی و عربی، استفاده از مثل ها و تأثیر پذیری از آیات و احادیث از مهم ترین ویژگی های سبکی وی در منشآت می باشد. وی معتقد بود که در نوشته باید اظهار فضیلت و نستعلیق نویسی خود را تخفیف داد، تا بتوان مطلب را دریافت کرد، به خاطر همین از برخی از صنایع بدیعی چون؛ تشبیه، کنایه، سجع، جناس و موازنه و ترصیع در حد اعتدال، بهره می برد. علاقه وی به علوم ادبی را از سطر سطر نوشته هایش می توان مشاهده کرد و اقدامات فرهنگی از جمله کتاب هایی مهم ادبی که به دستور وی به طبع رسیده است، بیانگر علاقه وافر وی به ادبیات و علوم ادبی است. هم چنین، دوستی و معاشرت وی با صاحبان قلم و اندیشه و برخی آزادی خواهان، حاکی از افکار ترقی خواهانه و روشنفکرانه وی می باشد. در نامه های دیوانی به برخی از حوادث مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر قاجار اشاره شده است. موضوع نامه ها: تهنیت، تعزیه و اخبار و وقایع و صورت کارها و تشریح حالت ها است و نامه ها اغلب ساختار مشابهی دارند و با جملات مشخصی شروع و با دعا یا بیت عربی و فارسی و... خاتمه می یابند. حاصل کلام اینک منشآت وی، کامل و جامع و به افصح لسان و ابلغ بیان انشاء شده است.

کتابخانه دیانت مدرسه طالبیه گروسی

شماره خاص ۲۸۸

شماره عام ۱۱۰۸۶

ردیف ۹

۶۷  
۳۷۱

ن

حکایت زندگان

حضرت اشرف محمد قفسه  
ارفع فرج اکتسب الا و بعد  
روح فدا کرده تا انقضای  
دست بخمال  
ایجاز



دفتر مدرسه علوم دینی طالبیه  
تهرانه خیابان پسران ۴۶۹

طبع و نشر  
موسسه فرهنگی و تبلیغی  
نظام محمدتقی دهنی خجابت

فخاست نصابت قایمیزا ابوتراب خان دم قباله  
مرحمت و عنایت شده بود که اندر جناب سعیدی الیه تاریخ شهر  
چونکه حکم ۱۳۲۱ مشآت را طبع و نشر نمودند برای تحصیل آسای وطن  
و لا میگذرد که شایان گردید و نفع زیاده بخشد درین وان که  
نسخه مشآت کیارت بنجدی طبع فرموده تا کوی اطفال  
دیانت اکتسب جهان روح فدا بوده  
جناب سعیدی الیه بقیه است  
خود را بجناب

بجز این دو کتاب  
در این کتابخانه  
ندارد  
بجز این دو کتاب  
در این کتابخانه  
ندارد  
بجز این دو کتاب  
در این کتابخانه  
ندارد

# مناسبات

در روزگار هر استیاده خواهد کرد خداوند روی شمار از سفید نماید  
 در حقیقه کلام خواجگنجی مناسبت است اگر دستم از دست این  
 نیز زن ، بعد از آن نیکو سخن را خواهم دانست که چه باید  
 کرد و چه باید گفت چونک شب گذشته است لهذا از زیاده پرا  
 تصدیح ( اتمیلم ) ( رفع زحمت ایدلیم ) دو اسلام

کتابت در مدرسه علوم دینی طایفه تبریز  
 و کتابت در شهر سنندج  
 ۱۳۶۱

## منت الکتاب

بعون الملک الوهاب فی

شرح حرب الحرب بر حبت فرموده جناب

عمده القهار امیر فخر الرازی شریف الشهدی محمود آقا

خلف ارشد جناب مستطاب عمده الاعاظم

و القهار امیر فخر الرازی شریف الشهدی محمود آقا

حاج احمد قلی ناظم

کتابخانه

این کتاب که به نام «شرح حرب الحرب» است از کتابخانه  
 حاج احمد قلی ناظم کتابخانه جامع آیت الله العظمی  
 خراسانی قم است و به خط نستعلیق در شهر سنندج  
 در ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۶۱ قمری کاتب شده است  
 و در شهر سنندج در ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۶۱ قمری  
 کاتب شده است

## کتابنامه:

- ۱- احمدی کرمانی، یحیی، ۱۳۶۲، فرماندهان کرمان، نشر دانش.
- ۲- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۵۱، سه سال در دربار ایران، انتشارات تهران، نوین.
- ۳- امیر نظام گروسی، حسنعلی بن محمد صادق، ۱۳۹۴، منشآت، به تصحیح مجتبی صفرعلیزاده، آرزو مومنی خانشان، انتشارات شعر سپید.
- ۴- انوشه، حسن، ۱۳۷۶، دانشنامه ادب پارسی، ج ۲، سازمان چاپ و انتشارات تهران.
- ۵- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۸، پیغمبر دزدان، انتشارات نگاه.
- ۶- بهار، محمد تقی، ۱۳۸۶، سبک شناسی بهار، نشر چاپخانه سپهر.
- ۷- بیهقی، محمد بن حسین، ۱۳۸۰، تاریخ بیهقی، بر اساس نسخه دکتر فیاض، ادیب پیشاوری، غنی فیاض، انتشارات تهران.
- ۸- پارسا نسب، محمد، ۱۳۸۷، جامعه شناسی ادبیات فارسی، انتشارات سمت.
- ۹- خاتمی، احمد، ۱۳۷۴، مقدمه نظم و نثر دوره بازگشت ادبی، انتشارات پایا.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، دوره جدید انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۱- سلطانی، محمد علی، ۱۳۷۸، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، انتشارات سها.
- ۱۲- عضد الدوله، احمد میرزا، ۱۳۷۲، تاریخ عضدی، انتشارات تهران.
- ۱۳- محبوب، محمد جعفر، ۱۳۳۶، دیوان قآنی، انتشارات تهران.
- ۱۴- محمد بن حسین علی، ۱۳۸۵، منشآت امیر نظام گروسی، انتشارات سبب سرخ.
- ۱۵- محمد حسن بن علی، اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، انتشارات دنیای کتاب.
- ۱۶- محمدی برنجه، علی، ۱۳۸۵، منشآت امیر نظام گروسی، انتشارات سبب سرخ.
- ۱۷- مستوفی، عبدالله، ۱۳۷۱، شرح زندگانی من، انتشارات زوآر.
- ۱۸- مصاحب، غلامحسین، ۱۳۷۴، دایرة المعارف فارسی، انتشارات فرانکلین.
- ۱۹- معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر.
- ۲۰- مفتون دنبلی، عبدالرزاق، ۱۳۵۱، مآثر السلطنیه، به کوشش غلامحسین صدری افشار، انتشارات تهران.

۲۱- میرزا سمیعا، محمد سمیع، ۱۳۷۸، تذکره الملوک، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، و سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

۲۲- نفیسی، علی اکبر، ۱۳۴۳، فرهنگ نفیسی، نویسنده: ناظم الاطباء، تهران، انتشارات خیام.

۲۳- هدایت، مهدی قلی خان، ۱۳۷۵، خاطرات و خطرات، انتشارات زوار.

۲۴- وقایع نگار کردستانی، علی اکبر، ۱۳۶۶، حدیقه ناصری، انتشارات امیر کبیر.

مجلات:

۲۵- بسناس، مهری، ۱۳۸۰، زندگی نامه سیاسی، اجتماعی، امیر نظام گروسی، انتشارات آوای نور

فراهانی، ۱۳۵۵: ۶۷

۲۶- تقی زاده، منصور، ۱۳۴۵، دوره ۴، ش ۴۱ و ۴۲، ص ۲۷، امیر گروسی (مجلات)

۲۷- قیداری، زهرا، ۱۳۹۰، تعامل تاریخ و ادبیات، رشد آموزش تاریخ، دوره دوازدهم، شماره ۳

۲۸- مردانی، فیروز، ۱۳۷۷، ترسل و نامه نگاری در ادب فارسی، کیهان فرهنگی، ش ۱۴، ص ۴۳-۴۷

۲۹- مهدی زاده، مهدی، ۱۳۷۸، تاریخچه منشآت در ادب فارسی، کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۴، صص ۶۴-

۶۷

سایت اینترنتی:

۳۱- نائی، محمد صادق، یکهزار واژه اصیل ترکی: <https://qooyash.wordpress.com>